**مدیریت آموزش و پرورش ناحیه چهار تبریز**

**دبیرستان دخترانه غیر دولتی صدرای نور – دوره دوم**

موضوع امتحان: ادبیات فارسی ۳

**نام و نام خانوادگی: .....** **مطالب نیمسال دوم پایه دوازدهم** **تاریخ: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶** **نام دبیر: محمدحسین یگانه**

| ردیف | سؤال | بارم |
|---|---|---|
| ۱ | **املای درست هر واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.**<br>الف) من از طبیعت آموختم که سراسر کرامت باشم بی هیچ‌گونه چشم‌داشتی به (سپاس‌گذاری ـ سپاس‌گزاری).<br>ب) خستگان را میزبانی کریم باشی و (پای‌فرسودگان ـ پای‌فرسوده‌گان) آفتاب‌زده را نوازشگری درمان‌بخش دردها.<br>**املای درست هر واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.**<br>الف) بدین سعادتم رهنمون بوَد تا هرگز فریب آزاده‌مردم را از خویشتن (بطی ـ بتی) نسازم.<br>ب) من از طبیعت آموختم بی‌آنکه زبان به کمتر (دائیه‌ای ـ داعیّه‌ای) گشاده باشم، سراسر کرامت باشم.<br>**در میان واژگان زیر، دو واژه، خطای املایی دارند؛ آن‌ها را بیابید و اصلاح کنید.**<br>(نصیب و بحره ـ غریب و بیگانه ـ گزاردن و به‌جا آوردن ـ ضایع و تباه ـ خسته‌گان راه ـ برزخ و دوزخ) | ۱/۵ |
| ۲ | **معنی واژه‌های مشخّص‌شده را بنویسید.**<br>الف) کزین کوه آتش نیابم تپش<br>ب) که گفتی سمن داشت اندر کنار<br>**در بیت زیر، کدام واژه، متضاد واژهٔ «شاد» است؟**<br>«چو بشنید خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت»<br>**معنی واژه‌های مشخّص‌شده را بنویسید.**<br>الف) سیاوش که آزرم و حیا و پاک‌دامنی و عفاف آموخته است، تن به گناه نمی‌سپارد.<br>ب) اگر کوه آتش بود بسپَرَم ازین تنگ خوار است اگر بگذرم<br>ج) پراندیشه شد جان کاووس‌کی ز فرزند و سودابهٔ نیک‌پی | ۱/۵ |
| ۳ | **با توجه به سرودهٔ زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.**<br>**«داشتم می‌گفتم آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد./ وِ چه سرمایی چه سرمایی! / لیک، خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی/ ... قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم / همگنان را خونِ گرمی بود.»**<br>الف) واژهٔ «دی» کدام یک از انواع «وابستهٔ وابسته» است؟ ب) زمان کدام فعل «ماضی مستمر» است؟<br>ج) «نقش دستوری واژهٔ خوشبختانه را بنویسید. د) نوع «واو» مشخص‌شده را تعیین کنید.<br>**با توجّه به «هفت خوان را زادسرو مرو، / آن هریوهٔ خوب و پاک آیین روایت کرد/ خوان هشتم را / من روایت می‌کنم اکنون/ من که نامم ماث.»:**<br>الف) گروه اسمی «آن هریوهٔ خوب» چه نوع نقش تبعی دارد؟<br>ب) نقش دستوری واژهٔ «اکنون» را بنویسید.<br>ج) واژهٔ «هشتم» کدام یک از انواع وابسته‌های پسین است؟<br>د) در گروه اسمی «زادسرو مرو» هسته را مشخّص کنید. | ۴ |
| ۴ | در بیت زیر یک ترکیب «وصفی» و یک ترکیب «اضافی» پیدا کنید.<br>«چشم بگشا به گلستان و ببین جلوهٔ آبِ صاف در گل و خار»<br>در بیت «بعد از این وادیّ حیرت آیدت / کار دائم درد و حسرت آیدت»، نقش دستوری «ضمیرهای متّصل» در ردیف شعر چیست؟ | ۲ |

www.kanoonir

| | | |
|---|---|---|
| ۵ | **آرایهٔ مناسب را از ستون دوم برای عبارات ستون اوّل بیابید. (یک آرایه در ستون دوم، اضافه است.)**<br>الف) ستارهٔ ضعیفی در شبستان تیره و تار درونم درخشیدن گرفت.<br>ب) پنج انگشت دعاگو به معیّت مچ و کف و ما یتعلّقُ بِه بر روی صورت آقای استادی نقش بست.<br>ج) پس از مدّتی اندیشه چاره را در این دیدم که هر طور شده یک غاز دیگر دست‌وپا کنیم.<br>حسّ‌آمیزی<br>ایهام تناسب<br>کنایه<br>تشبیه | ۳ |
| ۵ | **آرایهٔ مناسب را از ستون دوم برای موارد ستون اوّل بیابید. (یک آرایه در ستون دوم، اضافه است.)**<br>الف) هفت‌خوان را زادسرو مرو، / یا به قولی «ماخ‌سالار» آن گرامی‌مرد، روایت کرد.<br>ب) دمش، چونان حدیث آشنایش گرم / راه می‌رفت و سخن می‌گفت.<br>ج) بس که زهر زخم‌ها کاریش / گویی از تن حسّ و هوشش رفته بود و داشت می‌خوابید<br>استعاره<br>جناس<br>کنایه<br>حسّ‌آمیزی | ۳ |
| ۶ | **بیت‌های زیر را کامل کنید.**<br>الف) ..... من این زیبا زمین را دوست دارم میهن ای میهن<br>ب) ..... بـود لبریـز از عشـقت وجـودم، میهـن ای میهن | ۱ |
| ۷ | **نام پدیدآورندهٔ هر یک از آثار زیر را بنویسید.**<br>الف) منطق‌الطّیر: ب) داستان کباب غاز: ج) فی حقیقةالعشق: د) قصّهٔ شیرین فرهاد:<br>**جملهٔ مقابل را با کلمات مناسب پر کنید.** «..... رمانی است از رضا امیرخانی که موضوع آن ..... است.»<br>**از ستون دوم، نویسندهٔ آثار ستون اوّل را انتخاب کنید. (یک نویسنده در ستون دوم، اضافه است.)**<br>الف) کباب غاز<br>ب) ارمیا<br>سیّد مهدی شجاعی<br>رضا امیرخانی<br>محمّدعلی جمال‌زاده | ۲ |
| ۸ | **مفهوم مرتبط را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.**<br>«هر روز باید ذکری واحد را مکرّر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم.» (پرهیز از کهنه‌گرایی ـ نامکرّر بودن قصّهٔ عشق)<br>**مضمون مشترک بیت و عبارت زیر چیست؟**<br>الف) یک قصّه بیش نیست غم عشق وین عجب کـز هـر زبـان کـه می‌شـنوم نامکـرر اسـت<br>ب) هر روز باید ذکری واحد را مکرّر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: که تو از آنِ منی و من از آنِ تو. | ۱ |
| ۹ | **معنی هر یک از موارد زیر را به نثر روان برگردانید.**<br>الف) آری اکنون تهمتن با رخش غیرتمند، / در بُن این چاه آبش زهرِ شمشیر و سنان، گم بود.<br>ب) چاه چونان ژرفی و پهناش، بی‌شرمیش ناباور<br>**معنی هر یک از موارد زیر را به نثر روان برگردانید.**<br>الف) کان کلید گنج مروارید او گم شد.<br>ب) داشتم می‌گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد.<br>ج) مرد نقّال از صدایش ضجّه می‌بارید / و نگاهش مثل خنجر بود. | ۴ |